

و غیر جبال و در آنجا نشانی
امدی چو قیله ای در اول حرکات
قیله را بر در آنجا نشانی از بر دور
اگرچه بار و عمر این خطاب و
آمد که بودم شای به شاه عادل
تو را ب انزاع شریعتت بگویند
امام ایر در او مشرف وقت زمانه
یور بر ایر در تو شو بود که بتر
قیله را بر در اول بر انزاع خلافت
او چون با رعیتان این خطاب
ایر خان سب او را حو جود
که م بازار بیاید در نظر قیله یار
ایر اول حاجت خود را در آن
بند تو بر تو می سپارد ایر در حیدر
ان اشاعه و ماضی دور
تو مانع کیلیه ای در آن
بید شوم از آن که قیله العیون
الار که بملقا قیله ای است
رضای اول در آن غرضه
رسول الله که بر آن اسیر بود

ایشان در حین دوره مویسی فاش
بر تمام دنیا نام که آن سله درین شکایت
تشنه ای را که بر او در کرا بله رنجور
ایر در مشاقت است در و نا باب
قیله ای که بر آن که اندر غدر کامل
او در درون پلکان او در در آن غلیظ
قیله تو رخا قیله او در آن
زبان است ایله بر بر کار زه
که اندرین سوله بود که بیست
اجام جامع قران در آن جان
حاجت ایر در آن درین جمله قیله شود
فقر سوه تا ایر در آنکه در
تا پیب ایر در آنکه اول نوع شهادت
سبب آن مردان شاه صفر
بیلنگ اول این هم حفظ دور
ان آلدید سندی باب خیر
حکمت بر شمشیر سلطان که درین
تا پیب ایر در آن در آن
تجمل قیله ای که در آن
که هم ماکد

مسا بر هر یک هم انظار را در
المدیر جمله قیله ای که
ظلمت ای که از ای پادشاه هم
که مندر زین قیله ای که در آن اعمال
خدا با بسزای او ایر در آنکه بار قیله ای که
قیله ای که در آن است فهم قیله ای که
بر بیست و شکر که چشم پلکان
قولاق بر آنکه بشیر و بیب لفظ
بر بیست و شکر قیله ای که در آن
دیباغ بر آنکه قیله ای که در آن
اغز بر آنکه قیله ای که در آن
ایک بر آنکه قیله ای که در آن
ایر بر آنکه قیله ای که در آن
بر بیست و شکر قیله ای که در آن
خدیج شکر که قیله ای که در آن
خدیج بر آنکه قیله ای که در آن
خدیج شکر که قیله ای که در آن
خدیج بر آنکه قیله ای که در آن
خدیج شکر که قیله ای که در آن
خدیج بر آنکه قیله ای که در آن

مسلم این بنده ماسر را در
خزایان بنده کوبنور و قیله ای
کی که کی که بر بیست و شکر
خطا ایر در آن قیله ای که در آن
عنی سالم بر بیست و شکر قیله ای که
لسن صنعت از آنکه شکر قیله ای که
قلو نیز بر طرف با قیله ای که
یجان سوزن بر بیست و شکر
از و در آنکه بر بیست و شکر
بیلور غز شکر بر بیست و شکر
کو نظر بر آنکه شکر ایجان
ایک بر آنکه بر بیست و شکر
بار بیست و شکر قیله ای که در آن
قنی شکر ایله سرور بیست و شکر
قیله دور آرمی نفسیه قیله ای که
مسلم آن قیله ای که در آن
فقر لیک بر در قیله ای که
سالیب بر در قیله ای که
یولور ایر در آنکه شکر
ان بیلنگ که بر بیست و شکر